هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما باُ جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی وظیفه خطیر ملی را بدوش دارد
ص۲

استعفای دو مقام امنیتی کشور
ص۵

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ دهم ۲۲ جوزای ۱۳۸۹ ۲۹جمادی الاخر ۱٤۳۱ - 12 Jun 2010

لارښود:

له وړ او صالحو نوماندانو څخه ملاتړ کوو



د افغانستان د اسلامی جمعیت لارښود، پوهاند ربانی د ننګرهار او کنرونو د ولایت له ځینو استازو سره د سه شنبی په سهار (د غبرګولی ۱۸ مه) په خپل استوګنځی کي وکتل.

استاد، د راتلونکی ټاکنو په هکله وویل چې د افغانستان د اسلامی جمعیت د ولسی جرګی لپاره په ټاکنوکې به فعاله ونډه ولري او د جمعیت غړی باید خلک دی ته وهڅوی چې په ټاکنوکې برخه واخلي.

لارښود زیاته کړه: د جمعیت غړو ته اختیار ورکړ شوی و چې د جمعیت په نوم اویا د بی پری نوماندو په توګه په نوم لیکنوکې خپل نومونه ثبت کړی.

زمونږ اصلی موخه دا ده چې وړ او صالح نوماندان وټاکنی وګټی او داسی ولسی جرګه ولرو چې د ولس پوه، تعهد لرونکی او با احساسه استازی ولی. د حق، عدالت او انصاف پلویان وی او قانون رعایت کړی. هیڅکله د زر او زور تابع نشی او د ولس او هیواد له ګټو څخه دفاع وکړی.

جمعیت که څه هم غواړي چې جمعیتیان بری ترلاسه کړی خو که چیری یو بل نوماند چې وړ او صالح وی او د هیواد لوړو ګټوته تعهد او مخلص وی نو مونږ د جمعیت د نوماند ترڅنګ له هغه نه هم ملاتړ کوو.

برکناری مقام های امنیتی پرسش ها و ابهام های را برانگیخته است

ص۲

بیش از صد نفر در یک مراسم عروسی در قندهار کشته وزخمی شدند



روزپنجشنه ۲۰ جوزا یک مراسم عروسی در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار هدف بم گذاری قرار گرفته وبیش از صد تن اشتراک کننده دراین مراسم کشته ویا زخمی شدند.

تا کنون در مورد علت این حادثه که آیا بم در ساختمان کارگذاشته شده بود ویا حملهٔ انتحاری باعث چنین انفجاری گردید، روشن شده است.

دولت وهمچنان نیروهای آیساف، گروه طالبان را متهم کرده اند که این حمله را انجام داده است، اما گفته می شود، سنخنگوی این گروه مسؤلیت این حمله را بدوش نگرفته است.

کشتار مردم در مراسم خوشی وعروسی از سوی هرگروه وشخصی که صورت گرفته باشد، جنایت نا بخشودنی می باشد، ممکن است این جنایت از سوی اشخاص وگروه های صورت گرفته باشد که در مخالفت با دولت افغانستان قرار دارند ویا حتی ممکن است این حمله توسط کسانی انجام یافته باشد که به نحوهٔ برگزاری چنین مراسمی مخالفت می کنند، اما هیچ توجیهی برای کشتار مردم وجود ندارد.

انجام چنین حملات جنایت کارانه دلیل جهل ونادانی عاملان آن را به نمایش می گذارد،بدون شک این حادثه مخالفت وسیعی مردمی را در برابر عالان آن برخواهد انگیخت وباعث انزوای بیشترآن ها خواهد شد.

استاد برهان الدین ربانی در سالروز وفات امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران:

نهضت امام خمینی مربوط به همه جهان اسلام است

ص۳

جګړوځپلی افغانستان او د مسیحیت فعالیتونه

ص۷

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی وظیفه خطیر ملی را بدوش دارد

به روز چهارشنبه ۱۹ جوزا پنج تن از اعضای کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی که به مجلس نمایندگان معرفی شده بودند، موفق به گرفتن رای اعتماد گردیدند.

این پنج تن عبارت از گل رحمان قاضی، محبوبه حقوقمل، سید عمر منیب، محمد امین احمدی و عبدالقادر عدالت خواه می باشند.

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی دارای هفت عضو می باشد، قرار است دو عضوی باقیمانده در آینده به شورای ملی معرفی گردند.

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی که در قانون اساسی به عنوان یگانه مرجع تفسیر مواد این قانون و نظارت بر آن شناخته شده تا اکنون تشکیل نشده بود، تشکیل نشدن این کمیسیون درگذشته در مواردی باعث عدم شفافیت در تطبیق برخی از مواد قانون اساسی گردید و تنش های سیاسی را به میان آورد.

اکنون که این کمیسیون تشکیل شده است، این امیدواری به میان آمده که از سر درگمی و آشفتگی در قانو اساسی تا اندازه جلوگیری به عمل آید، اما این مامول بسته به آن است که این کمیسیون تا کجا می تواند در تفسیر بی طرفانه و کارشناسانه مواد قانون اساسی موفق باشد.

اعضای کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی باید به وظیفه حساس خویش آگاهی داشته و اصل امانت پذیری، بیطرفی و عدالت محوری را همیشه در نظر داشته باشند. آن ها باید بدانند که هرچند که رئیس دولت آن ها را نامزد نموده و مجلس نمایندگان به آن ها رأی اعتماد داده اند، اما اصولاً آنان باید مستقلانه عمل نموده به هیچ صورت نباید خود را مکلف به پیروی از دیدگاه حکومت میان پارلمان بدانند.

قانون اساسی مهمترین سند تقنینی کشور بوده مواد آن به مسایل سرنوشت ساز و عمدهٔ جامعه و دولت می پردازد اگر چنانچه در تفسیر مواد این قانون و در کار نظارت بر تطبیق آن، گرایش های گروهی و سیاسی و یا عدم استقلالیت اثر گذار باشد، می تواند پی آمد های فاجعه باری برای کشور و قانون اساسی به میان بیاورد، چنین رفتار های نا درست، اعتماد مردم به قانون اساسی و دولت را از میان بر داشته و بی ثباتی و تشنج را در کشور دامن می زند.

حکومت و سایر نهاد های دولت مانند شورای ملی باید تلاش نمایند، از مداخله در امور این کمیسیون خود داری نمایند و زمینه کار سالم، بی طرفانه و مستقلانه آن را فراهم سازند.

همچنانکه اشتباه این کمیسیون پی آمد های زیان باری برای نظام و کشور دارد، پختگی و کار کرد سالم این کمیسیون می تواند دموکراسی جوان کشور را مستحکمتر و بالنده تر سازد.

برکناری مقام های امنیتی پرسش ها و ابهام های زیادی را برانگیخته است

مهدی

به روز شانزدهم جوزا امرالله صالح رئیس عمومی امنیت ملی ومحمد حنیف اتمر وزیر داخله اعلان نمودندکه از پست های شان استعفا داده اند. آن ها دلیل اصلی استعفای خویش را ناکامی در برقراری امنیت جرگه ملی مشورتی صلح که به تاریخ ۱۳- ۱۵ جوزا در کابل دایر گردید، وانمود نمودند وتوضیح دادند که تحلیل آن ها از حادثه تروریستی علیه جرگه صلح و دلایل عدم کوتاهی در انجام وظیفه مورد پذیرش رئیس جمهور قرارنگرفت وبه آن علت چاره جز استعفا نداشتند.

هرچند که تغییر در پست های حکومتی وبرکناری وزرا یا مسؤلین کار عادی است، اما به علت آن که این دو مقام ازجمله ماموران نسبتاً موفق حکومت بودند. استعفای یا برکناری آن ها سوال های را در میان مردم به میان آورده است.

اگر دلیل استعفا یا برکناری این دومقام، تقصیر در انجام وظیفه ویا نا کارگی باشد، درحکومت کنونی افغانستان مسؤلین زیادی هستند که ناکاره ویا کم کار بوده، افزون برآن، فساد پیشگی، رشوه خوری وقوم پرستی وگروه گرایی نیز در عملکرد آنان دیده می شود، پس چرا آن افراد استعفا نمی دهند ویا مجبور به استعفا نمی شوند.

دلیل استعفا یا برکناری نیز محل ظن واشتباه مردم قرار دارد،اگر چنانچه دلیل استعفای این دو مقام حمله برجرگه باشد، این حمله نسبت به حملات دیگر مخالفان مسلح کمتر موثر وخطر آفرین بود،در حمله مشابه که در سال ۱۳۸۷ هنگام برگزاری مراسم جشن پیروزی مجاهدین صورت گرفت وبراثر آن مرمی ها در نزدیکی های رئیس جمهور اصابت کرد وشماری کشته شدند ورسوای بزرگی به میان آمد، هیچ متولی استعفا نکرد ورئیس جمهور هم هیچ کسی را برکنار نساخت،اما چگونه شد که امسال چنین کاری صورت گرفت.

شماری از مردم در مورد نحوهٔ کنار رفتن آقای صالح پرسش های را مطرح می کنند. آیا این مسؤلین بر اساس صدای وجدان وتقصیر در انجام وظیفه بصورت داوطلبانه استعفای خویش را به رئیس جمهور ارائه نمودند ویا این که آن ها برکنار گردیدند. این مسؤلین علاقه دارند بگویند آن ها با اختیار خود شان کنار رفتند ودر واقع استعفا کردند. اما توضیحات آنها مخصوصاً اظهارات آقای صالح وهمچنان سخنگوی ریاست جمهوری می رساند که، آن ها برکنار شده اند واستعفای که دادند بعد از برکناری بوده است.

آیا علت اصلی استعفا یا برکناری تقصیر در انجام وظیفه بوده است ویا دلایل سیاسی وحتی مداخلات خارجی علت اصلی استعفا یا برکناری این دو مقام است. این موضوع درهالهٔ از ابهام قرار دارد، ریاست جمهوری وهمچنان بخشی از سخنان آقای اتمر وآقای صالح، حاکی از این است که این برکناری یا استعفا، به دلیل حملهٔ بر جرگه صورت گرفته است، اما این تحلیل برای اکثر مردم قابل با ورنیست، برخی مداخلات خارجی، مخصوصاً نارضایتی کشور همسایه پاکستان را از اقای صالح وحتی آقای اتمر وهمچنان تصمیم کشورهای موثر در امور افغانستان را دلیل این استعفا می دانند. مردم به این باوراند که آقای اتمر و آقای صالح از جملهٔ ماموران نسبتاً موفق حکومت بودند،اقای صالح توانسته بود امنیت ملی را نسبتاً به یک نهاد ملی تبدیل نماید ومقابله با تهدیدات امنیتی ومداخلات استخباراتی خارجی را وظیفه اصلی این نهاد تعین کند ، امنیت ملی تا اندازهٔ زیادی خود را از مداخله در امورسیاسی وزد وبندهای گروهی برکنار نموده بود وبه همین علت هیچ گروه وشخصیت سیاسی مخالف، ترس از امنیت ملی احساس نمی کرد ودیدن افراد امنیتی در دل کسی هراسی برنمی انگیخت.

درصورتی که ظن تأثیر گذاری خارجیان در برکناری این دو مقام امنیتی حقیقت داشته باشد، می تواند نشانی از روند ناصواب سیاست گذاری در دولت افغانستان حساب شود.

جا بجای افراد در پست های حساس امنیتی بر اساس خواستهٔ خارجیان، راه های مداخله آن ها در امور کشور را باز نموده و امنیت ملی ومصالح علیای کشور را با خطر رو برو خواهد ساخت.

اما اگر این برکناری براساس مصالح کشوری وتصمیم مستقلانه رئیس جمهور باشد وقصد اصلاح داشته باشد باید به دست آوردهای این دومسؤل برکنار شده، اهمیت قایل باشد وکسانی را در این دو نهاد بگمار که به روند ملت سازی وساختن نهاد ملی باورمند باشند و از قوم گرایی وفساد پیشگی پرهیزنمایند.

هفتهٔ خونین برای نیروهای خارجی

هفتهٔ گذشته یکی از هفته های خونین در جنگ افغانستان برای نیروهای خارجی بود. دراین هفته حدود ۲۰ تن از عساکر خارجی در حوادث جدا گانه در جنوب وشرق کشور به قتل رسیدند. تنها روز چهار شنبه ۱۰ تن از عساکر ناتو کشته شدند.

تشدید جنگ د برابر نیروهای خارجی، تکتیک های موفقیت امیز مخالفان را به نمایش می گذارد. درحالی که امریکا امیدواراست بتواند با افزایش شمار نیروهایش دامنهٔ خشونت ها وفعالیت های مسلحانه مخالفان را کاهش دهد. افزایش تلفات نیروهای خارجی بیانگر آن است که این نیروها با مقاومت سرسختانه رو برو بوده، انتظار پایان یا کاهش قریب الوقوع جنگ درکشور ما، دور از واقعیت است.

تشدید جنگ نشانهٔ آن است که استراتیژی ضد شورش امریکا درافغانستان، هنوز هم با کمبودی ها ونارسای های جدی روبروست، هرگاه افزایش نیروهای امریکایی به افزایش تلفات آن ها همراه باشد، این می تواند برای این نیروها فاجعه بار باشد.

سقوط یک چرخبال امریکا توسط طالبان می رساند که این گروه در برابر تسلط هوای ناتو می تواند چالش ایجادکند، درحالی که نقل وانتقال وحرکت در زمین به علت بم های کناره جادهٔ که برخی آنان قابل کشف نیست، برای نیروهای خارجی بسیار خطر ناک شده است، تهدید چرخبال های ناتو از سوی طالبان، ضربه بزرگی برای نیروهای خارجی دانسته می شود.

تشدید جنگ ها وافزایش مقاومت در برابرنیروهای خارجی، دلیل عدم کارایی استیراتیژی باراک اوباما رئیس جمهور امریکا تلقی می شود، ادامهٔ این وضعیت کاخ سفید را مجبور خواهد ساخت باردیگر در استراتیژی خویش تجدید نظر نماید، اما این تجدید نظر ممکن است برای امریکا بسیار دردناک باشد وتصمیم گیری روی آن را برای ادارهٔ امریکا که در آستانه رفتن بسوی آمادگی انتخابات قرار دارد، کاربسیار دشوار خواهد ساخت.

حمایت امریکا و رویکرد کشورهای غربی از طرح مصالحهٔ حکومت افغانستان، بیانگر موقعیت دشوار نیروهای خارجی در کشور می باشد، حل سیاسی بحران شاید بتواند،چاره برای مشکل به میان بیاورد،اما گروهای مخالف مسلح بخوبی تنگنای خارجیان آگاهی دارند وممکن است به آسانی تن به معامله با حکومت آقای کرزی ندهند.

افزایش بیشتر نیروها وتشدید جنگ شاید گزینهٔ ممکن برای امریکاییان نباشد، اما تجربه جنگ ویتنام به وضوح نشان می دهد که افزایش نیروها درچنین جنگ هاکار ساز نیست ونمی تواند از گسترش فعالیت های شورشیان جلوگیری نماید.

تغییر در حکومت افغانستان که درگذشته ها گمان می شد یکی از گزینه های تغییر استراتیژی امریکا باشد، اکنون فکر می شود، این گزینه روی میز قرار ندارد، اما درصورتی که امریکاییان با بن بست واقعی رو برو شوند، ناگزیر اند تصمیم های دشواری بگیرند وهمه گزینه ها را روی میز بگذارند.

استاد برهان الدین ربانی در سالروز وفات امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران:

نهضت امام خمینی مربوط به همه جهان اسلام است



درآغاز به روان حضرت امام خمینی و ه روان همه آنانی که جان های خود را در راه عزت وآزادی اسلام ومسلمین نثار کردند درود می فرستم.

قرن بیستم شاهد روزهای تاریخی وتحولات بزرگی بوده است. دراین قرن ما شاهد ظهور تفکرات ویران گر ونظام های استبدادی بودیم، همچنان شاهد ظهور وخیزش های جریان های اسلامی وشاهد بزرگترین وردناکترین حادثه درتاریخ اسلام یعنی سقوط خلافت عثمانی بودیم.

ما دراین عصر شاهد ظهور قدرت های استعماری غربی وغلبه فرهنگ غربی در جهان اسلام بودیم. در این عصر ما شاهد ظهور و زوال نازیسم و شاهد ظهور وزوال مارکسیسم بودیم.

همچنان دراین عصر شاهد ظهور بیدارگران وعلمبرداران مسلمان، در جهان اسلامی بودیم.

سید جمال الدین افغان از سرزمین خود ما به عنوان بیدارگر ظهور کرد، در سرزمین مصر،رهبران نهضت اسلامی شهید حسن البنا وشهید سید قطب اخوان المسلمین را بنیان گزاری کردند، در نیم قاره هند ما شاهد ظهور یک سلسله حرکت های بنام احیای خلافت وبه دنبال آن ظهور یک تعداد حرکت های منظم اسلامی، مانند جنبش مولانا مودودی، جمعیت العلمای اسلام و حرکت های بیدار گری دیگری بودیم، درهمین عصر ما می بینیم دو قدرت استعماری بزرگ، در سرزمین ما با شکست مفتضحانه رو بـرو می شوند.

در این میان ما شاهد ظهور یکی از چهره های بزرگ جهان اسلام هستیم امام خمینی جمهوری اسلامی ایران را به پیروزی می رساند.

البته جنبش های اسلامی هر کدام در سرزمین های خود، تحولاتی عظیمی را ایجاد کردند، اما قیام حضرت امام تفاوت های فراوانی با قیام های دیگر داشت. امام پایگاه قدرت های اجنبی را در منطقه متزلزل ساخت و نظام شاهنشاهی را که حمایتگر صهیونیزم در منطقه بود درهم کوبید.

حضرت امام نظامی را ساخت که ما وشما میدانیم که یکی از بازیگران حسابی درمنطقه می باشند. اکنون دو بازیگر عمده در منطقه ما و در جهان اسلام به میان آماده است، جمهوری اسلامی ایران وجمهوری ترکیه به رهبری اردوگان.

این دو زعامت سیاسی به عنوان بازیگران فعال نه تنها در قضایای منطقه بلکه در قضایای جهان به عنوان قطب سوم ظهور کرده اند.

یکی از مصیبت های بزرگی که درقرن بیستم دامنگیر جامعه بشری شد تفکر دین زدایی وجدایی دین از سیاست وبه زاویه کشاندن بود.

سیکولار های غربی به عنوان دشمن سرکوبگر مسیحیت وارزش های دینی ظهور کردند و این تفکر را می خواستند در بین ملت های دیگر بازار یابی کنند و وانمود سازند که گویا دین اصلاً جایگاهی در تمدن ندارد وتمدن انسانی علم وتکنالوژی،سیاست، اقتصاد، اداره جهان توسط دین ممکن نیست.

آنها بدین باور هستند که باید دین ازصحنه به دور انداخته شود وجای آن را تفکر سیکولار وجدایی دین از سیاست بگیردآن ها می خواستند این گونه تفکر باطل ونا امید کننده را دربین ملت های مسلمان توسعه بخشند.

اما خوشبختانه با ظهور این بیدارگران در جهان اسلام وبخصوص با حرکت بزرگ مرد زمان معاصر حضرت امام خمینی حقیقت به همه جهانیان روشن گردید. اساساً دین است که در محیط ومحور آن تمدن شکل می گیرد، هرتمدنی که بدور از تفکر وارزش های دینی باشد، به نفع بشر تمام نشده و ویرانگری هایی مادی ومعنوی را در پی دارد.

ما شاهد هستیم تمدن غرب چه پیامی به جهان انسانیت آورده است، قتل وکشتار وایجاد تشنج. ما می بینیم که این تمدن همه روزه قربانی می گیرد وهمه شاهد هستند که قدرت های جهان توسط چند شرکت اداره می شود، توسط یک تعداد سرمایه دارهای محدود تمام دنیا را بر مبنای خواسته های خود می چرخانند. آنها به فکر آن هستند که در کدام جا آتش جنگ را شعله ور سازند، زیاد تر سلاح تولید کنند وسلاح بفرستند.

آنها هر گز در غم انسان وانسانیت نیستند، نمونه های زیادی را در دنیا می بینیم، بیش از یک ونیم میلیون زن وکودک از یک ونیم سال بدین طرف است که در غزه در محاصره اقتصادی قرار دارند، قتل عام می شوند،کسانی نمی توانند یک لقمه نان را نه از طریق هوا ونه از طریق زمین ودریا برایشان بفرستد.

ما شاهد قتل عام دیروز کاروان آزادی بودیم، این کاروان به همت یک تعداد انسان ها بخصوص ملت غیرتمند ترکیه به راه انداخته شد که از کشور های غربی نیز یک تعداد انسان های خیرخواه آن ها را همرای می کردند.

در این کاروان جز مواد غذای وادویه برای مریضان چیزی دیگری نبود، اما توسط اسراییل برخلاف تمام ارزش وقواعد بین المللی قتل عام می شوند ودنیا در حد نظاره گر باقی می ماند.

شورای امنیت به درخواست ترکیه ولبنان جلسه تشکیل داد، اما نتیجه اش از قبل معلوم است، حتماً ویتو می شود واز صدور یک قطعنامه ضعیف هم جلوگیری خواهند کرد.

این نمونه های تمدن امروزی است که بدور از معادلات دینی، با انسان های مظلوم به کار گرفته می شود.

اما تمدن اسلامی که در محور تفکرات شخصیت های بزرگ مانند امام خمینی احیا می شود،در خدمت انسان وبرای انسان استفاده می شود وهر کجای فریاد مظلومی است فریاد آن شینده می شود.

نهضت امام خمینی تنها مربوط به ایران وایرانیان نبود، این نهضت مربوط به همه جهان اسلام است، شکی نیست که عناصر مزدور، در کشورهای اسلامی هستند که علیه این نهضت واین شخصیت بزرگ تبلیغاتی به راه می اندازند، اما میلیون ها مسلمان در افغانستان، روابط نزدیک با این نهضت وملت بزرگ ایران دارند.

تلاش های وجود دارد که می خواهند فاصله های زیادی را در میان این دوملت ایجاد بکنند، این گونه تلاش ها، هرزه وبیهوده می باشد، زیرا ریشه های این گونه روابط در تاریخ، فرهنگ، دین وخواسته های مشترک این دو ملت نهفته است.

دوستی با کشورهای اسلامی وبخصوص دوستی با دو کشور اسلامی که در همسایگی ما قرار دارند مطابق مصالح ملی میلیون ها تبعه افغانستانی می باشد.

اکنون در این دو کشور، به ویژه در جمهوری اسلامی ایران میلیون ها تبعه کشور زندگی می کنند، چندی قبل غوغای به نام قتل یکتعداد افغان ها به راه افتاد، دفاع از هر تبعه کشور یک امر واجب است و باید در هر کجای که هستند از حق شان دفاع صورت گیرد، اما باید قضایا روشن شود، غوغا آفرینی وایجاد اختلاف در بین دو کشور برادر، دو کشور همسایه ودوملت مسلمان به سود مردم ما نیست.

به هرحال ما این پیام را باید به ملت عزیز و برادر خود جمهوری اسلامی ایران می دهیم که غوغا آفرینی عده اندکی، هرگز احساس عمیق ،دوستی پایدار این دو ملت را نمی تواند خدشه دارسازد.

همانگونه که برادر هادی اشاره کردند باید ما از شخصیت های بزرگ درجهان اسلام تجلیل کنیم، این گونه شخصیت ها واقعاً منادی عزت وآبروی مسلمانان در سراسر دنیای اسلام بودند وهستند، اجازه ندهیم دشمنان درمیان ما به نام شیعه وسنی ایجاد تفرقه بکنند، این وظیفه روشنفکران مسلمان است که به این فتنه ها هرگز اجازه ندهند .

درکشور ما هستند دستانی که می خواهند فتنه گری کنند وشگاف های را در روابط این دو کشور به میان آورند.

در این روز ها فلم های را در برخی تلویزیون ها شاهد بودیم، البته چندی پیش خبرهای را شنیده بودم که دعوت به مسحیت در کشور شروع شده است، با آقای حجت الاسلام هادی موضوع را درمیان گذاشتم، امروز این صحنه ها را در فلم دیدیم، کسانی که دست به چنین اعمال می زنند از ما چه می خواهند؟

ما مسلمان ها کجا با مسحیت دشمنی داریم؟ این قدرکه مسلمانان با عیسی مسیح ارتباط عمیق دارند، پیروان دیگر ادیان ندارند. کسانی که با این پیغمبر جلیل القدر ایمان ندارد، مسلمان نیستند.

ما می بینیم که از ده قرن به این طرف، در جهان غرب با مسیحیت دشمنی صورت می گیرد، حتی تا به آن حد که می گفتند آخرین کشیش را با روده آخرین سرمایه دار به داربیاوزید یعنی می خواستند همه رهبران مسیح ومسیحیان واقعی را نا بود کنند.

اما در افغانستان فقر، محرومیت، جنگ وبد امنی ها دامنگیر ملت ماست، به جای این که به فکر کمک به این ملت مظلوم باشند، این ها را مسیحی می سازند. البته من فکر می کنم که آن ها مردم را مسیحی نمی سازند بلکه مرتد و دشمن دین می سازند.

این دسیسه ها بسیار شرم آور است واز سوی دیگر یک شلاقی بیداری است که باید همه ما وشما از خواب بیدار شویم.

ملت ما نباید بعد از این خاموش بماند، چه فتنه هاست که در این جا آن را چاق می سازند، چه کاری می خواهند بکنند؟ این عملکرد ها به نظر من ایجاد گر یک خشونتگری جدید است، یک فتنه نو را می خواهند ایجاد کنند، به این اساس ایجاب می کند که ما باید راجع به تمام قضایا سر از نو بی اندیشیم وحدت وهمبستگی خود را قوی بسازیم واز تفکرات الهام بخش نهضت های اسلامی درست استفاده کنیم.

من تعجب می کنم وقتی برخی آدم ها را جع به شخصیت های چون امام خمینی(ره) حسن البنای شهید شهید، سید قطب شهید و امام مودودی صحبت کنیم مورد خشم وعتاب قرار می گیریم. من فکر می کنم این ها مسلمان های ضعیف الایمان هستند و انسان های هستند که از ارزش های دینی فاصله گرفته اند. به هرحال، از تمام نهاد ها وشخصیت های ارجمندی که چنین اجتماعی را برگزار کردند، قلباً اظهار سپاس می کنم وباید بیشتر باهم فشرده شویم وراجع به قضایای سرنوشت سازمان بحث ومذاکره کنیم، تصمیم بگیریم در برابر فتنه ودسیسه ها با قوت ایستاد شویم.

گرچه از لحاظ اقتصادی وعلمی مسلمانان به فقر وناتوانی رو برو هستند، اما اکنون در عصر احیایی دوباره اسلام به سر می بریم.در غرب مسلمانان را از پوشیدن لباس اسلامی منع می کنند، در حالیکه لاف از حقوق بشر و آزادی های فردی می زنند.

آنها در مباحثات شان می گویند اگر برای مسلمانان اجازه داده شود ده سال بعد اروپا همگی به اسلام می گراید.

بلی ما در عصر خیزش وقوت ودر عصر احیایی مجدد ارزش های دینی قرار داریم، بخواهند ویا نخواهند یگانه دین که خدا خواسته غلبه داشته باشد، اسلام است و خداوند این دین را غالب می سازد.

ما امید واریم در کشور مان جنگ وامنیت به میان آید وصلح وبرادری حاکم گردد.

اقول قول هذا استغفرالله لی ولکم ولسائر المسلمین

ضرورت تناسب، معادلت و همنشینی کلمه ها در جمله

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

کلمه ها بر اساس تناسب رابطه معنائی در داخل جمله قرار میگیرد؛ در صورت که چنین همنشینی درست به کار نرود بافت جمله، ناتوان و نا استوار خواهد بود. همنشینی واژه به واحد های زبان مربوط میباشد. عناصر زبان، تا وقتی که در زنجیره گفتارانسان، همنشینی نداشته باشند نمی توانند در محور همنشینی جای منطقی برای خود پیدا نمایند و در نتیجه میان آن رابطه همنشینی و تناسب بوجود آید، مثلا؛ در زنجیره گفتار: او به آینده می اندیشد. واژه های، به، آینده و می اندیشد، زنجیره گفتاری معنی داری را پدید آورده است. عناصر سازنده این جمله با یک دیگر رابطه همنشینی و منطقی دارند در جمله مانند سنگ به آینده می اندیشد، هیچ گونه امکان همنشینی و تناسب در جمله وجود ندارد؛ زیرا به سبب بی معنایی و نادرستی آن در کنار همدیگر نمیتوانند رابطه و تناسب منطقی و همنشینی داشته باشد؛ در صورتی که میان عناصر و اجزای جمله رابطه علمی و منطقی وجود داشته باشد، واژه ها میتوانند جایگزین عنصر و واژه دیگر گردند و با هم رابطه معنائی و مشترک پیدا نمایند: یک کتاب به دست آوردم، دو کتابچه به دست آوردم. این جمله ها را میتوان تعویض کرد و جانیشین برای آن ها تعین نمود و گفت یک قلم به دست آوردم و یا دو کتابچه به دست آوردم. تیوری همنشینی کلمه ها در کنار همدیگر، امروز در زمینه های نقد ادبی، زبان ادبی، زبان عامیانه، زبان اخبار و زبان علمی نیز کاربرد پیدا نموده است. نقد و تحلیل ادبی، در همین چوکات و همخوانی واژه های بیگانه به داخل زبان های رسمی کشور، در همین چوکات جانشینی و همنشینی مورد بررسی قرار میگیرد. کار شاعر و نویسنده، انتخاب چنین جانشینی و همنشینی میباشد. شعر حافظ نمونه عالی چنین جانشینی است. آمدن ساقی درآغاز دیوان، با توجه به پیام حافظ بهترین نمونه عناصر آوائی، در پیوند با معنا در محور جانشینی قرار گرفته است: الا یا ایها الساقی ... الا ای رفیق من.... الا ای حبیب دل... نفس باد صبا... نفس باد مشک فشان... رایحه باد صبحگاهی. همچنان میتوان جایگاه (ساقی و صبا) را در محور همنشینی و بر پایه معنایی و نحوی بررسی کرد. محور همنشینی تمام واحد های زبان را در برمیگیرد و در بخش صرف همنشینی بر اساس معیار و طبیعت معین گرامری صورت میگیرد. مثلا پیشاوند هم فقط با گروه واژه ها؛ یعنی اسم ها خصوصیت همنشینی دارند، مانند: همخانه، همصنف، همجنس، همکار، همسایه وغیره. همچنان پساوند (تر) تنها با واژه های صفت و قید همنشین میگردند: مانند: بزرگتر، شیرینتر، کوچکتر، سردتر، گرمتر، تیزتر و همسال این ها. در صورتی که تناسب و همنشینی واژه ها مد نظر گرفته شود جریان نطق و بیان، به صورت منطقی آن شکل میگیرد. ما نمیتوانم هر کلمه را به اجبار پهلوی هم بگذاریم و آن را همنشین سازیم. این کار خلاف قوانین زبان و موجب از بین رفتن کلام میگردد، به همین اساس تناسب و رابطه های منطقی کلمه ها در داخل جمله رابطه معنایی پیدا میکند. تناسب و رابطه پیدا کردن و همنشین گردیدن کلمه ها در چوکات صرف و نحو هر زبان مطالعه میگردد، به رنگ نمونه کلمه ها در مناسبت و رابطه لغوی و معنایی به گروه ها و واژه های مختلف؛ چون: مترادف، متضاد و امثال آنها در نظر گرفته میشود. کلمه های مترادف که هم معنا و نزدیک معنا میباشند، گروه مشخص لغوی و معنایی را در سیستم زبان تشکیل می دهند و در اکثر اوقات به طور جفت همنشین میشوند؛ مثل: خوش و خرسند، بخت و سعادت، زیب و زینت، شور و عصیان، غم و غصه، ناز و نعمت و غیره. گوینده و نویسنده می کوشد تا جهت تکمیل معنای نخست واژه مترادف آن را ذکر نماید . طوری که نصرالدین طوسی در اثر مشهور خویش (اساس الاقتباس) چنین میگوید: «الفاظ بسیار بر یک معنا دلالت کند آن را اسمای مترادفه خوانند، به مانند دلالت انسان و بشر بر مردم». نویسنده این مترادفات و نزدیک معنا ها را به هدف یکی بودن و تقویه واژه یی نخستین به کار میبرد، در حالی که در میانی این ترادفات ویژه گی های معنایی خاص وجود دارد، هستند امروز کسانی که بر مفهومی مترادف خورده میگیرند و آن را نمی پذیرند؛ زیرا هر کدام آن دارای مفهوم خود است، در غیر آن چنین واژه ها وجود نمیداشت. به رنگ نمونه واژه های آفتاب، خورشید، شمس، مهر، خور همه یک مفهوم یعنی سیاره آسمانی را افاده میکنند؛ اما هر کدام از نظر درجه استعمال و موقع کار بست، به اسلوب های متفاوت کار برد پیدا میکنند. اگر واژه آفتاب در سلسله فوق عام فهم میباشد، اما واژه خورشید، مهر، خورهر چند با تابش های نازک اسلوبی کم و بیش از هم دیگر فرق می کنند. از طرف دیگر واژه های : کلان، بزرگ، عظیم و کبیر که مترادف هم اند و صفت اسم را افاده مینماید، از لحاظ تناسب و نزدیکی معنا در یک سلسله و گروه متحد اند؛ اما موقع استعمال آنها فرق میکند، چنانچه: سنگ کلان و بزرگ گفتن درست است، اما سنگ کبیر گفتن غلط میباشد، ادیب بزرگ گفتن مقتضای منطق است؛ اما ادیب کلان خلاف منطق بوده همنشین نمیشود، هر چند گفتن شخصیت های کلان مورد و کار برد داشته است؛ اما بهتر است بزرگ گفته شود، نه کلان. برخی از مترادفات برای خود با پیدا کردن مفهوم مجازی با اسم اول ترادف پیدا میکند، مثلا: کاربرد چشم برای انسان عزیز و دوست داشتنی چون فرزند؛ از این رو به اساس معنا مجازی با واژه فرزند تناسب معنایی پیدا کرده و مترادف شده است؛ یعنی نور چشم و نور دیده، که کنایه از فرزند میباشد. در حالی که چشم به نرگس؛ نه تنها استعاره شده؛ بلکه مترادف گردیده است، در صورت که، نرگس هیچ گاه به فرزند مترادف شده نمیتواند؛ زیرا میان نرگس و فرزند تناسب معنایی وجود ندارد. این مفهوم را نصر الدین طوسی چنین آورده است: «چون چیزی را اسمی نبود و آن به استعارت عبارت خواهند کرد. باید که استعارت از شبه ترین چیزی به او گیرند و باید که شبه مستعار نبود، چی مستعار قبیح بود، مانند آن که از فرزند استعارت به چشم کنند و از چشم به نرگس؛ پس اطلاق نرگس به فرزند قبیح بود و در استعارت تعارف شرط بود». واژه های: من کتاب خواندم، من روزنامه خواندم، من مجله خواندم با مصادری فارسی: خواندن کتاب . خواندن روزنامه و خواندن مجله، همنشین میگردد: اما هرگز نمیتوانیم واژه های خواندن را با کلمه های مثلی خانه، درخت، سنگ، آب وغیره: یعنی خواندن خانه، خواندن درخت، خواندن سنگ و غیره همنشین سازیم؛ زیرا تناسب معنائی میان آن ها وجود ندارد. عشق و دل بسته گی که بلبل به گل و پروانه به شمع دارد، سبب شده است که بین کلمه های گل و بلبل، شمع و پروانه و عشق در بیت حافظ رابطه یی همنشینی پیدا کند:

ادامه دارد

هدیه به مادران

شادروان استاد خلیل الله خلیلی

رهروی روشندلی از بایزید
کرد پرسش کای مراد هر مرید
باز گو آخر کجا بشتافتی
کاین همه گنج سعادت یافتی
گفت از یک قطره اشک مادرم
شاهد مقصود آمد در برم
گنج ها در دیده ی نمناک اوست
این گهر ها اشک های پاک اوست
شام ها چون باز خفتی مادرم
بود در پایان پایش بسترم
تا دل شب داشت با من راز ها
گفتگو ها قصه ها آواز ها
قصه ها شیرین تراز شهد و شکر
نغمه ها جانبخش تر از باد سحر
ناگهان شامی هوا بس تیره شد
برف بر شهر و ده ما چیره شد
خون به تن از شدت گرما فسرد
شعله از دمسردی ایام مرد
نیمه شب شد مادرم از خواب خاست
از من افسرده جامی آب خواست
تا گرفتم لرز لرزان جام آب
مادرم را بار دیگر برد خواب
من ستادم خشک بر جا از ادب
چشم بر ره جام بر کف جان به لب
آب را از فرط سردی بست یخ
جام را با دست من پیوست یخ
صبح شد چون بارگاه فیض باز
مادرم برخاست از بهر نماز
دید سوی من که لرزانم چو بید
گشته ام چون برف سر تا پا سپید
گفت أی فرزند بر کف جام چیست
راست گو این لرزه بر اندام چیست
از چه رو این جام را نگذاشتی
خویش را در رنج و محنت داشتی
گفتم ای مادر خطا بود اینکه من
می نهادم جام بهر خویشتن
تو ز من گر آب می کردی طلب
خفته می دیدی مرا دور از ادب
مادر از گفتار من بیتاب شد
دل میان سینه ی وی آب شد
سر زد آهی از دل غمدیده اش
قطره ی اشکی چکید از دیده اش
اشک مادر گنج گوهر زا شود
مرد ازآن یک قطره چون دریا شو

ابوبکر سبزوار

استعفای دو مقام امنیتی کشور



بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۶ جوزا رسانه ها از استعفای ناگهانی وزیر داخله و رئیس امنیت ملی کشور خبر دادند. در ظاهر امر چنین به نظر می رسد که محمد حنیف اتمر وزیر داخله و امرالله صالح رئیس امنیت به دلیل ناکامی در تامین امنیت لویه جرگهء ملی مشورتی در روز ۱۲ جوزا مجبور به استعفا شدند. این استعفا بدنبال ملاقات آنان با رئیس جمهور کرزی صورت گرفت که رئیس جمهور دلایل آنان برای ناامنی ها در آنروز را نپذیرفت و هردو طی کنفرانس های مطبوعاتی جداگانه رسما استعفای خود را اعلام نمودند. رئیس جمهور با صدور فرمانهای جداگانه برای این دو ارگان سرپرست تعیین کرد.

این تحول سوالات زیادی را در اذهان بمیان آورده است که آیا این تصمیم کاملا ناگهانی گرفته شد و ناشی از وقایع روز اول جرگه و ناکامی نیروهای امنیتی کشور بود ویا اینکه در عقب پرده مسایل دیگری هم نهفته است. قبلا کشورما شاهد وقایع بدتر از روز اول جرگهء مشورتی بود که به ضعف مدیریت در نیروهای امنیتی کشور دلالت می کرد، اما کسی به قصور خود اعتراف نکرد و استعفا هم نداد. بعنوان مثال آنچه در روز جشن پیروزی مجاهدین دوسال قبل رخ داد و یا جنگ هائی که در پشت دروازهء ارگ ریاست جمهوری صورت گرفت و در آن زمان نیز مدیریت در امنیت کشور زیر سوال رفت.

رئیس مستعفی امنیت ملی در کنفرانس مطبوعاتی خویش به فشارهای خارجی اشاره داشت و این ذهنیت را بمیان آورد که عملکرد های وی در برابر دخالت های یکی از کشور های همسایه موجب مشکلاتی برای وی شده است. او تلاش نمود تا خود را شکست خوردهء یک بازی استخباراتی نشان دهد.

وی بعدا در صحبت با رسانه ها از تلاش های پاکستان در گذشته برای برکناری خود سخن گفت و در عین حال تصریح نمود که با رئیس جمهور کرزی در مورد برنامه برای مذاکره با مخالفین مسلح دولت اختلاف داشته است.

شکی نیست که آقای امرالله صالح از مخالفین سرسخت ملاقات پاکستان بود و همیشه پاکستان را در ناامنی های کشور دخیل می دانست. او همانگونه که خود گفت، مانع بزرگی بر سر راه نفوذ پاکستان در امنیت ملی افغانستان بود. بدون تردید وجود چنین شخصی در راس یک ارگان مهم امنیتی کشور، هرگز برای پاکستان خوش آیند نبود با توجه به اهمیتی که وزارت داخله و ریاست امنیت ملی کشور نزد نیروهای خارجی دارد، فکر نمی شود که رئیس جمهور این تصمیم را بدون مشوره با آنها گرفته باشد. در شرایطی که تاکید روز افزون روی بلند بردن ظرفیت در نیروهای انتظامی کشور است و کشورهای عضو ناتو حاضر اند تا ملیارد ها دالر در این رابطه هزینه نمایند و آنها می خواهند پولیس ملی افغانستان مسئولیت های بیشتری را در رابطه با تامین امنیت در کشور بعهده بگیرد تا سنگینی بار جنگ از دوش نیروهای خارجی سبک تر گردد، قابل تصور نیست که رئیس جمهور کرزی بصورت یک جانبه دست به اقدامی زده باشد که می تواند چالشی بزرگ فراراه استراتژی ایالات متحده در افغانستان تلقی گردد. چنین اقدام بصورت یکجانبه و بدون مشوره با خارجی ها می توانست روابط را میان رئیس جمهور و خارجی ها بار دیگر به بحران بکشد. اما همانگونه که شاهد بودیم، در مورد استعفای این دو مقام بلند پایه، خارجی ها عکس العملی که نمایانگر ناخشنودی آنان باشد، نشان نداده اند.

از مدتها قبل این مسئله در رسانه ها غربی مطرح بود که نیروهای پولیس افغانستان با وجود صرف مبالغ هنگفتی پول هنوز از توانائی لازم برای مقابله با شورشیان برخوردار نیستند. شماری از آنان به مواد محدر معتاد بوده وشمار دیگر به فساد آلوده اند. کمیت افراد پولیس هرگز نمی تواند جوابگوی نیازها باشد و باید در این رستا اقدامات جدی تری روی دست گرفته شود تا کیفیت کار بلند برود. ناتو تلاش دارد تا تعداد بیشتری از مربیان برای آموزش پولیس ملی را استخدام نموده و به افغانستان بیاورد.

به نظر می رسد که تغییر در مدیریت این دو ارگان در سفر رئیس جمهور کرزی به امریکا و انگلستان با مقامات این دو کشور مطرح بحث قرار گرفته باشد.

اکنون سوال اینست که با توجه به چالش های امنیتی موجود، استعفای این دو مقام چه تاثیری روی امنیت در کشور خواهد داشت؟

تردیدی نیست که مخالفین مسلح دولت، کناره گیری این دو مقام مهم امنیتی از پست های شانرا یک موفقیت برای خویش تلقی خواهند کرد. راکتی که به هدف لویه جرگه شلیک شده بود تاثیر خود را در جای دیگری برجا گذاشت. اعتراف وزیر داخله مستعفی بر اینکه گروه جلال الدین حقانی توانست از سد امنیتی ما بگذرد، نوعی اعتراف به شکست تلقی شد که می تواند دلگرمی ای برای طالبان تلقی گردد.

برخلاف امرالله صالح، محمد حنیف اتمر وزیر سابق داخله برکناری خود را به دست های پشت پرده رابطه نداد و از این مسئله طفره رفت. او امید وار است در آینده در حکومت جای پای داشته باشد بنابراین نباید مانند آقای ثابت عمل می کرد.

اکنون سوالی که در ذهن بسیاری بمیان آمده اینست که جانشین این دو مقام مستعفی چه کسانی خواهند بود؟ آیا افراد جدیدی که جانشین این دو تن می شوند بهتر از این دو خواهند بود یا نه؟

در افغانستان از دیر باز سنت چنین بوده که بجای یک مقام بر کنار شده کسی را به کار گماشته اند که بدتر عمل کرده است و مردم به این نتیجه رسیده اند که فرد قبلی بهتر بود. اصطلاح کفن کش قدیم به چنین مواردی اطلاق می شود. امید است که این بار چنین نشود.

هرچند در مورد جانشین احتمالی این دو مقام پیشبینی ها و گمان های زیاد است، اما می توان گفت اگر کسانی که جای مقامات مستعفی را می گیرند افراد مسلکی و مدیر و مدبر باشند و دید گاه و اقدامات آن ها ملی و فراقومی باشد، لااقل می توان امید داشت روند موجود مواجه با مشکل نخواهد شد اما اگر کسانی به این سمت در نظر گرفته شده باشند که قبلا در پست های دیگر کار کرده و بی کفایتی شان به اثبات رسیده است، و یا افراد قوم گرا و کوتاه نگر باشند، در آنصورت می توان گفت که وضع از آنچه که هست بدتر خواهد شد.

د اسلامي جمعیت د دارالانشاء رئیس:

د مسیحیت خپراوی په بشري حقونو باندې تیری گڼو

تیره پنجشنبه د مسیحیت په گټه د ځینو موسود فعالیت په اړه د له خوا یوه غونډه رابلل شوې وه. په دې غونډه کې ځینو علماو د پوهنتونونو استادانو او د سیاسي گوندونو ځینې غړي گډون کړی و.

ددې ترڅنگ د افغانستان د اسلامي جمعیت د دارالانشاء رئیس محمد نسیم فقیري د جمعیت ویاند واقف حکیمي، د دارالانشاء اداري مدیر شهاب الدین شهاب او مالي مدیر سیف الدین خرمي هم برخه درلودل.

فقیري د خپل وینا په یوه برخه کې وویل: مونږ په داسې حالاتو کې قرار لرو چې باید له نړیوالې ټولنې سره اړیکې ولرو او هغه موسسې چې زمونږ په هیواد کې د خیر ښیگڼې کارونه ترسره کوي، باید خپل حدود وپیژني او د افغانانو د دین د بدلولو هڅه ونکړي. مونږ کولای شو چې له بهرنیو کړیو سره د مسالمت او متقابل احترام له اصولو سره سم خبری، بحث او مناقشه وکړو.

فقیري زیاته کړه: افغانستان یو اسلامي هیواد ده او داساسي قانون د دویمې مادې له رویه د افغانستان د دولت دین د اسلام مقدس دین ده. په اجتماعي و او سیاسي علوموکې تعریفونه د زمان او مکان له مخې توپیر لري او مونږ هم له دیموکراسۍ او د بیان له نه خانگړی تعریف لرو.

زمونږ دین مونږ ته اجازه نه ورکوي چې د منسوخو ادیانو لپاره د تبلیغاتو په اړه چپ کینو!

دا د مسلمانانو په بشري حقونو باندې تیری ده چې مسیحیان یا یهودیان یا نور وغواړي زمونږ د خلکو د دین د بدلولو هڅه وکړي. مونږ دا راز تبلیغات او کړنې په کلکه غندو او د اړوندو مراجعو د کلک اقدام غوښتنه کوو. مونږ باید سخت نیوکه او اعتراض ولرو خو باید په مسالمت آمیزه توگه او له تریخوالي او شدت څخه ډډه وکړو.

په یاد شوې غونډه کې پریکړه وشوه چې له مشرانو سره له سلا او مشورې نه پس یوه اعلامیه خپره شي او د لاریون په هکله هم تصمیم ونیول شي.

روز مادر به مادران کشور مبارکباد

پوهندوی عبدالعلی "کوهی" استاد دانشگاه کابل

آیین رهایی بخش اسلام، سرشت وخلقت زن و مردرا همسان دانسته؛ اعطای حق مالکیت فردی، و عدالت در حقوق زن و مرد ازارشادات لایزال دین مبین اسلام می باشد.

حمایت از حقوق زن در خانواده واجتماع، پاسداری از هویت و شخصیت آن، توانایی و اقتدار دادن به زن از زمره عنایات ویژه دین مقدس اسلام به حقوق زنان می باشد. دین مبین اسلام مشارکت اجتماعی را، شرط وجود جامعه سالم تلقی نموده است.

در جامعه یی که زنان همگام با مردان ، در زمینه های سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کار کرد نداشته باشند، روند انکشاف اقتصادی، ثبات وامنیت، عدالت اجتماعی، آزادی و برابری و توسعه اجتماعی تحقق نخواهد یافت. در نظام خانواده از نظر اسلام زن و مرد مکمل یکدیگر اند، باید این دو پایه و اساس زندگی خانوادگی و اجتماعی تحکیم یابد، طوریکه پیامبر اسلام فرموده است: (بهترین شما کسی است که برای خانواده اش نیکو باشد و من نسبت به همه شما برای خانواده ام بهتر هستم .

زنان در افغانستان بیش از دیگر زنان جهان رنج خشونت و محرومیت را کشیده، زن در گذشته های افغانستان بیش از مرد با نامِلائمات زندگی، آفات طبیعی و جنگهای قبیله یی موجه گردیده و رنج های فراوانی را بدوش کشیده ست. تاریخ معاصر افغانستان از داستان ها وافسانه حرم سرای شاهان حکایت می کند که خلاف حکم صریح اسلام، تعدادی از زنان در این حرم سراها زندگی مینمودند، تا اینکه برای نخستین بار شاه امان الله حق زندگی، حق اتخاب همسر، حق آموزش و پرورش و حق کار را برای زنان در لوایح تسجیل نمود. این شاه توسط فرمان سلطنتی حرم سازی را ممنوع اعلان کرد. وسن ازدواج تعیین گردید. از حکومت شاه امان الله تا هم اکنون در مورد حقوق زنان کارهای صورت گرفته است. در کانفرانس بن (۲۰۰۱ م) مسئله تساوی جنسیت اجتماعی (جندر) وتبعیض مثبت به نفع زنان افغانستان در نظر گرفته شد. در اداره موقت تشکیل وزارت امور زنان مورد قبول قرار گرفت. در پرتو قانون اساسی افغانستان ۲۵ درصد زنان در مجلس قانون گزاری حق حضور را پیدا نمودند که ۶۸ زن هم اکنون عضویت این مجلس قانون گزاری را بدست آورده اند که در تاریخ بی سابقه می باشد. امروز با وجود این همه قوانین ملی و بین المللی و ارشادات دین مبین اسلام در مورد حقوق زنان دیده می شود بی عدالتی های اجتماعی، حق تلفی ها و قانون شکنی ها زنان را بیشتر از همه اسیب پذیر ساخته است. نهضت نسوان در افغانستان نظر به واقعیت های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی نتوانسته است به یک جریان سراسری در کشور تبدیل گردد.

تاریخ اسلام نشان میدهد که اولین شهید راه اسلام سمیه می باشد و اولین زنی که به اسلام مشرف گردید و دعوت اسلام پذیرفت بی بی خدیجه کبری می باشد در کلیه فعالیت های دعوتگرانه پیشوای مسلمانان جهان، قائد بشریت وسرورکائنات رسول اکرم ص زنان خانوده نبوت سهم فعال داشته، ابتکارات و خدمات خدیجه کبرا بی بی عایشه صدیقه و بی بی فاطمه زهرا چشم گیر می باشد. اولین زنی که بعد از شهادت حضرت امام حسین درفش اسلام را بر افراشت، حضرت بی بی زینب می باشد. حضرت سکینه دختر امام حسین از جمله زنان متفکر و دانشمند اسلام بود که به نقد و بررسی امور مذهبی، سیاسی، حقوقی و ادبی می پرداخت.

زنان در دوره غزنوی ها در فعالیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شرکت داشتند. در میان زنان سلجوقی زنان شاعر و باهوش فراوان دیده می شود. در عصر تیموریان هرات زنان با آموزش های معمولی دست می یافتند.

ما در تاریخ کشور خود زنان دانشمند و فداکار زیادی را دیده میتوانیم. در دوره حرکات استقلال طلبانه جهاد و مقاومت زنان زیادی را می بینیم که همدوش برادران خود در جبهات رزم و پیکار اشتراک ورزیدند.

امروز زنان با مشکلات زیادی مواجه اند. ازدواج های اجباری یک امر معمول و متداول در تمام ولایات و نواحی افغانستان می باشد، گزارشهای کمسیون حقوق زنان در افغانستان از ازدواجها گسترده اجباری و قبل از سن ازدواج در جنوب و شرق کشور خبر می دهد. امروز ار دختر پدر و یا متولیان (سرپرستان) دختر تویانه فراوان بدست می آورند؛ درحالیکه مهر شرعی مخصوص دختر بوده و دیگرآن حق تصرف را ندارند. این گونه تویانه های سنگین و ازدواج های اجباری و قبل از وقت بخشونت های فراوان و پیامدهای مانند: خود سوزی، خودکشی و فرار از منزل منجر گردیده است.

حمایت ناکافی از حقوق زنان و فقدان نهاد مشخص حقوقی حامی زنان موجب می شود که به زنان به عنوان یک ابزار نگرسته شود. امروز زنان در جامعه امروز افغانستان، در بسیاری از نقاط کشور تحت استبداد مردان قرار دارند، حق انتخاب همسر، ادامه تحصیل و غیره را از آنها گرفته اند. تفاوت سنی یکی از عوامل مهم در خود سوزی زن ها در بعض از مناطق کشور ثبت شده است در پهلوی این دشواری های اقتصادی و تفاوت فرهنگی در میان خانواده های و سطح پایین سواد بر مشکلات زنان افزوده است. در حالیکه قانون مدنی افغانستان سن ازدواج را برای دختر شانزده و برای پسر هژده سال تعیین کرده است. نتیجه این ازدواج های قبل از وقت و سن قانونی میزان مرگ و میر مادران را در بالاترین شاخص در میان کشور های همسایه نشان میدهد. یک سلسله رسوم و عنعنات ناپسند و غیر اسلامی در رابطه به ازدواج در کشور وجود دارد که می توان به موضوعاتی چون: بد دادن، ازدواج های اجباری، تویانه سنگین، ازدواج های متعدد با وجود مخالفت دختر تفاوت سنی زیاد مرد بازن فروختن دختر در مقابل قرض، ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر بدون رضایت آن، محروم ساختن زنان از مراث، نامزدی درکودکی تعدد زوجات بدون رعایت شرائط اسلامی، محرومیت زنان از تعلیم و تربیه، نبود نکاح نامه شرعی اشاره کرد. این تحقیقات نشان می دهد حدود ۸۰ در صد خانم های که شوهرانشان به ازدواج های مجدد مبادرت ورزیده اند، نسبت به آینده خود و فرزندانشان نا مطمئین بوده و همیشه در جنگ های خانوادگی و اضطراب روانی بسر میبرند. تغییر بستر عمومی جامعه تعمیم سواد وآگاهی مردم ازقانون میتواند در جهت بازگشت به حقوق مادر و زن سازگار باشد قانو اساسی افغانستان دولت را مکلف نموده است که به حیات طفل کودک و مادر توجه نموده و نظام خانواده ها را از پراگنده گی نجات دهد.

پاکستان کې پر له پسې نا امنۍ او ورته ورپیښ ګواښونه

* رفیق بحر *

پاکستان د افغانستان هغه ګاونډي هیواد دی چې له یوې اوږدې مودې راهیسې د ډانګ او پړانګ ترمینځه قرار لري. ځکه له یوې خوا نړیوال او په سرکې یې امریکا او په سیمه کې میشت د ناټو ځواکونه چې هر وخت په سیمه کې د ترهګرۍ (!) پر خلاف په هر ځای کې عملیات تر سره کوي نو په عکس العمل کې یې پدغه هیواد کې د دولت مخالفین طالبان او په قبایلي سیمو کې میشت اورپکي د پاکستان له دولت څخه غچ اخلي او وخت ناوخته د دواړو هیوادونو (افغانستان او پاکستان) د پولې دواړو غاړوته د دولت مخالف طالبان له پولې ها غاړې او دې غاړې انتقامي بریدونه کوي او کله ناکله خو د پاکستان په مختلفو ښارونو کې هم ګوزارونه کوي.

دوه اونۍ وړاندې د جمعې په ورځ د امریکایي پالیسیو او دلویدیځ د حضور مخالفو طالبانو د پاکستان په زړه لاهورکې د احمدیانو (قادیانیانو) په یوه جومات برید ته سره کړ او پکې په چاودنه سره یې د درې نوي احمدیان ووژل څو په پاکستاني حکومت فشار راوړي او د احمدي ډلې په هکله د دغه هیواد د (۱۹۷۳) کال د اساسي قانون پریکړې ته عملي بڼه ورکړي چې له مخې دغه ډله نا مسلحانه ګڼله شوې وه.

او هم په تیره اونۍ کې د دوشنبې په ورځ په اورکزیوایجنسۍ کې د پولړنورو علمیاتو په نتیجه کې دیرش تنه وژل شوېدي.

دغه پېښې چې وخت نا وخته د پاکستان په خاوره کې او په ځانګړې توګه په قبایلي سیموکې وخت ناوخته له دې امله تکرارېږي چې په مختلفو قبایلي سیموکې امریکایي بې پیلوټه طیارې (ډرون) کله نا کله توغندي وروي او د دولت مخالفو طالبانو د ادعا له مخې پکې د دوې د پلویانو سربیره عام وګړي هم وژل کیږي.

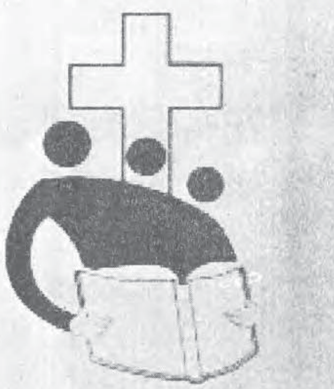
همدارنګه پدغه هیواد کې په دوه انټرنیټي ویب سایټونو هریو: پیس بل او یو پیس بل او یوټوب باندې دوې اونۍ مخکې هغه مهال د حکومت لخوا بندیز هم له همدې امله لګولی شوی وو چې پکې د اسلام د پیغمبر محمد صلي الله علیه وسلم د څېرو د انځورګرۍ سیالۍ پیل شوې وې. چې په نتیجه کې یې د مسلمانانو قهر او غوسه پارولې وه لکه چې دوه کاله وړاندې دغه کال د ډنمارک او هالنډ په هیوادونوکې هم د مسلمانانو غوسې راپارولې وې. څو اونۍ وړاندې د لاهور عالي محکمې له دغو ویب پاڼو څخه د بندیز پورته کولو غوښتنه وکړه او د دغې محکمې یو قاضې وویل چې حکومت دې د نورو ګټورو لپارو په لټه کې شي. څو اونۍ وړاندې د پیس بک په ویب پاڼه باندې بندیز د لګولو پریکړه د بنګله دیش حکومت هم وکړه.

نو دا او دې ته ورته نورې کړلې هغه عوامل دي چې د پاکستان حکومت یې د طالبانو لخواله سخت ګوابښ سره مخ کړیدی او پکې دولت مخالف طالبان داسې کړنو ته لاس غزوي چې د پاکستان حکومت یې له یو سخت ګواښ سره مخ کړیدی. تردې چې د تیرې جمعې په ورځ چې د احمدیانو په جومات کې د شوې حملې په نتیجه کې ټپې شوی کسان په کوم روغتون کې د تداوۍ لاندې نیول شوې وو، دولت مخالفو طالبانو هغه روغتون هم د بریدلاندې ونیولو. او دې ته ورته بریدونه او غلچکۍ حملې همیش د پاکستان په ګوټ ګوټ کې وخت ناوخته د دغه هیواد په امنیتي ځواکونو تر سره کیږي او هم د کراچۍ په لوي ښارکې هم دوه نیمې اونۍ وړاندې اخ و دب کې خلک وژلي شوي وو.

دغه حملې او ګواښونه پداسې حال کې د پاکستان حکومت ته پیښیږي چې پخپله د امریکا او ناټو پوځونو سیمه ایز مسؤلین د پاکستان څخه تنظیمیږي او تر دې چې د نورستان د برګمتال سیمې نیولوکې هم د افغاني طالبانو سره د پاکستاني طالبانو شتون په ګوته کولی شي او په کابل کې د سولې د مشورتي ملي جرګې په درشل کې لا د افغانستان په بېلو بېلو سیمو کې چاودنې د پرې شوې وې چې مرتکبین یې د پولې ها غاړې پاکستان څخه راځي نو هغه همکارۍ چې د پاکستان حکومت یې د ناټو او امریکا یې پوځونو سره په سیمه کې ادعاء لري په سیمه کې د امریکایي او ناټو پوځونو د مسؤلینو دوینا کانو له مخې د منلو وړ نده. او همدا هغه علت دی چې د امریکایي ورځپاڼې واشنګټن پوست و یو راپور له مخې چې تیره اونۍ خپورشوی وو، ژر ده چې امریکا به د پاکستان دننه نظامي حملې پیل کړي. د دغه راپور له مخې یو امریکایي مسؤول مقام ویلې ووچې که امریکائیان پوه شي چې هوایي حملې یې بې اغیزه دي نوښایې چې امریکا به د پاکستان د خاورې دننه عملیات آغاز کړي د کوم کار لپاره چې یې تیارې نیولې هم ده.

جګړو ځپلی افغانستان او د مسیحیت فعالیتونه

ن – شفیق



تیره اونی د لومړي ځل لپاره د هیواد یوې تصویري رسنی یو داسې راپور خپور کړه چې پکې د هیواد دننه پایتخت کابل کې د ځینو مرستندویه موسساتو فعالیتونه د سوال لاندې راغلل. په خپور شوي راپور کې لیدل کیدل چې په پلازمینه کابل کې د ناروی مرستندویه کلیسا او د کلیسا نړیوال سروس اداري، مسلمانان د مسیحیت منلوته رابولي او له خپل دین څخه یې اړوي، کوم کار چې د اسلام د دین د تعلیماتو او د هیواد د قوانینو له مخې جرم او ارتداد ګڼل کیږي. ځکه اسلام دې ته اجازه نه ورکوي چې د الهي ادیانو له مینځه له هغه دین څخه انسان واوړي چې تعلیمات یې د ټولو ادیانو او تعلیماتو څخه جامع او هر اړخیز دي او د خپل دغه صفت لرنې له مخې د نورو ادیانو ناسخه دین ګڼلی کیږي. ځکه دغه دین د خپل نزولي پس منظر او خاتم الادیان دین د ځانګړتیا لرلو له مخې د بشریت د نیکمرغی او سعادت په ریښتونی معنا ضمانت لرونکي تعلیمات دي چې لامله یې د نورو ادیانو او تعلیماتو د له مینځه وړلو ځانګړتیا ځان ته حاصله کړیده نو د عقل له مخې هم هیڅ څوک یو پوره شی په نا پوره نه بدلوي او اعلی په ردي سره نه ورکوي او بیا پداسې حال کې چې پخواني ادیان او په ځانګړې توګه د یهودیت او عیسائیت لارښوونې چې د مختلفو پیړیو په دوران کې د لاسوهنو لامله یې هغه بڼه نده پاتې چې په کومه بڼه رالیږلی شوي وو ځکه دا طبیعي خبره ده چې د کوم دین تعلیمات چې یوه یا دوه او یا څو پیړی وروسته ولیکل شي هغه هیڅکله هم په خپل نازل شوی حالت نه وي پاتې او بیاچې وروسته پکې د یهودو او عیسائیت د رهبرانو د رشوت اخستنې په بنیاد تغیرات هم راشي او لاسوهنې پکې وشي نو هغې ته بیا الهي دین او الهي وحي او تعلیمات ویل دروغ دي.

نو د همدغه حقیقت له مخې په اسلام کې د ارتداد سزا قتل او ارتداد کفر ګڼل کیږي د ځینې اسلامي هیوادو اساسی قوانین او نور قوانین د تحریف شوو ادیانو د پیروی او منلو (اسلام د پریښودلو) اجازه نه ورکوي او داځکه چې پدې سره د اسلامي امت یووالي ته صدمه رسیږي او د اسلام دبرلاسی او حقانیت د اصل خلاف عمل دی.

خوله بده مرغه چې افغانستان د دریو لسیز جګړو لامله یوه داسې خاوره او هیواد وګرځیدلی چې دروازې یې د هر چا پرمخ خلاصې دي او لکه د یو بې انګړه حویلی په څېر ورته زمونږ د مرستندویانو په نوم هر څوک راغلي دی. که هغه زمونږ دښمنان دي او که خواخوږي. چې په همدې لړکې په تیرو څه د پاسه دریو لسیزو کې وخت نا وخته ځینې خارجي مؤسسې او په ځانګړې توګه د مرستندویه کلیساګانو نمایندګی چې له نومونو څخه یې هم په ډاګه ده او پشوکله هم الله لپاره مرېې نه نیسی ـ زمونږ هیوادته له مغرضو ارادو سره راغلي دي. د هجرت په چاپیریال کې د شلټم ناؤ په نامه یوې مؤسسې داسې کارونه ترسره کول چې زمونږ له دیني او ملي ارزښتونو خلاف وو او د مسیحیت د خپراوې لپاره یې کتابونه هم ویشل. اوس چې هم زمونږ ولس د ترهګری (!) د ځپلو په نامه د بې مفهومه جګړې د اور په بټیو کې له سوځیدلو خلاص ندی د مرستی تر نامه لاندې یو شمېر مؤسسې لکه د ((ناروی مرستندویه کلیسا)) او ((د کلیسا نړیوال سروس)) مو راڅخه حق دین اخلي او د جګړه ځپلو هیوادوالو د مرتد کولو او مسیحیت ته اړولو لړی ته دوام ورکوي چې د هغې یو ثبوت د نورین او نور دتلویزونو هغه راپورو چې څو ورځې مخکې خپور شو) او ښایې دې ته ورته لانور فعالیتونه هم اوسي چې تر اوسه کشف شوي ندي، په تیره اونی کې، د اقتصاد د وزیر د مؤقف او د ولسي جرګې د غونډې له پریکړې څخه افغان ولس مننه کوي چې د څارنوالی. ملی امنیت او کورنیو چارو د وزارت په شمول درې لوریزه کمیسیون دی د دغه راپور حقایق. د پلټنې لاندې ونیسی او په نتیجه کې یې په اړه د راتلونکی لپاره ګوتلی قدمونه او چټ کړی.

که څه هم زمونږ حکومت د دغو دوه وو مغرضو مؤسسو فعالیتونه و ځنډول خو پدې سره د ولس قناعت نه حاصلیږي او باید چې د هیواد د قوانینو له مخې د دغو ادارو چلونکوته سزا ورکړای شي څو د نورو لپاره عبرت شي او په راتلونکې کې نور داسې کارونه تر سره نکړي. ورنه په هیواد کې موجوده نسبي امنیت به د افغان با ایمانه ولس د عکس العملونو په نتیجه کې د مظاهراتو لامله تالاترغی شي، باید چې حکومت د موضوع نزاکت درک کړی او پدي هکله خپل ملی او دیني مسؤلیت تر سره کړی.

در برکناری صالح و اتمر...

سنا می گوید: من از بر طرفی این چهره از اداره ومدیریت امنیتی کشور مایوس هستم، خانم " اکبری" بخصوص برطرفی "صالح" را نادرست خوانده وجای وی را در بخش امنیت کشور خالی میداند.

رحمن اوغلی نماینده مردم فایاب می گوید: تصمیم گیری ها در افغانستان به طور ریشه ای و بنیادین که درآن شاخص های عدالت وشایسته سالاری مطرح باشد، به پیش نمی رود وهدف آقای کرزی ازتغییر وبرکناری مهره ها این است که می خواهد حاکمیت تک قومی را به میان بیاورد.

اوغلی می گوید: به اساس اطلاعاتی که ما داریم، دو نفر را که به نام های شیدا محمد ومحمود داود زوی هستند ودر درون ارگ به عنوان بادیگاردهای آقای کرزی کار می کنند بالترتیب به سمت وزارت داخله وریاست عمومی امنیت ملی قرار است که بگارد.

به قول آقای اوغلی، کرزی با این گونه کار ها می خواهد در افغانستان بحران سازی نموده ودر اوج این بحران ها خود را به یک امپراطور تبدیل نماید.

اوغلی می گوید، اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، سیاست های نادرست جناب عالی روزی شخص خود شان را مجبور به استعفا خواهد کرد.

وی درپاسخ به سوالی که مقامات مستعفی نسبت به سایرین دست آورد های زیادی داشتند وا ین که چرا نتوانستند قناعت رئیس جمهور را فراهم کنند؟ افزود، کرزی در مورد این می اندیشد که چه کسی بسیار حرف او را گوش می کند وچه کسی می تواند از صبح تا شام به وی تملق کند.

به باور وی، معیار ومقیاس کرزی برای مدیریت کشور بر مبنای عقلانیت وعدالت استوار نیست. آقای اوغلی می گوید من باور دارم که با برطرفی امرالله صالح و آوردن کسی دیگری که در اداره امنیت ملی که حرُف شنو خارجیان باشد، استقلال وثبات کشور را به مخاطره جدی خواهد انداخت ودیگر نمی شود ادعای کشور داری را نمود.

نسیمه نیازی نماینده ولایت هلمند می گوید: برطرفی ویا استعفای این هر دو شخصیت واقعاً در شرایط فعلی ضربه به این نظام متزلزل است.اما وقتی خود شان می گویند، رئیس جمهور را قناعت داده نتوانستیم وخواستیم از وظیفه کناره گیری کنیم این اقدام شان نیز بیانگر جرئت آنها بوده فرهنگ از خود گذری را به نمایش می گذارد.

نماینده مردم هلمند می گوید به هیچ صورت مردم افغانستان به استعفای این ها راضی نیستند، اما اختلاف دیدگاه ها ولزوم دید رئیس جمهور وعدم قناعت یکدیگر، آنها را مجبور به استعفا کرده است. خانم نیازی افزود، این دوچهره قربانی توطیه های استخباراتی کشور همسایه شده اند. نماینده مردم هلمند ضعف ونارسای کاری که در نهاد های امنیتی ونظام فعلی کشور وجود دارد، دلیلی دیگری می تواند در برطرفی آنها باشد.

مولوی محمود دانشجو، نماینده مردم ولایت بلخ می گوید، برطرفی این دونفر کارخوبی نبود ونقطه ضعف حکومت را نشان میدهد، زیر کارایی فیصدی ودست آورد های این دو نفر، نسبت به سائر اعضای کابینه بیشتر بود.

وی افزود، ضمانتی وجود ندارد، کسانی دیگری که در این پست ها توظیف می شوند آیا بهتر کار خواهند کرد یاخیر؟

مولوی دانشجو، ابعاد سیاسی این قضیه را نسبت به بعد امنیتی آن برجسته می داند. او می گوید، اگر موضوع امنیت مطرح می بود، قضایای زیادی مانند قضیه هشت ثور ۱۳۸۷ در محل برگزاری جشن صورت گرفت و درآن وقت کسی در رابطه با این موضوع برطرف نگردید.

دو رویداد مهم ...

بر کشتار اعضای جرگه یا اخلال جرگه و فرار اعضای آن را به خاک یک سان ساختند.

در مورد دوم گفته می شود که دولت از قبل پروفیسور برهان الدین ربانی را برای ریاست جرگه درنظر گرفته و به ایشان پیشنهاد داده بود.

استاد پذیرش پیشنهاد را مشروط بر توافق همه رهبران جهادی و رؤسای مجلسین نموده بود و بنا بران، این توافق حاصل شد و در روز اول و حین انتصاب یا انتخاب رئیس جرگه، توسط حضرت صبغة الله مجددی یکتن از رهبران جهادی و رئیس مشرانو جرگه، موضوع انتصاب استاد مطرح شد و مورد قبول اکثریت قاطع اعضا قرار گرفت.

گرچه تعداد اندکی کوشیدند با ایجاد هیاهو، موضوع انتخاب را به چالش بکشند ولی به زودی به جمع اکثریت پیوستند و خاموشی اختیار نمودند!

در روز سوم، روز آخر جلسه و در جریان گزارش کار کمیته ها، قاضی محمد امین وقاد که رئیس یکی از کمیته ها بود: قبل از ارائهٔ گزارش، موضوع انتخاب رئیس جرگه را یکبار دیگر مطرح کرد و گفت که بعضاً چنین پنداشته شده که رئیس، یک رئیس انتصابی است و نه انتخابی! من از شما اعضای جرگه می پرسم که آیا به انتخاب او رضایت داده بودید و اکنون هم راضی هستید؟ اکثریت قریب به اتفاق اعضای جرگه با بلند نمودن دست ها و کف زدن ها یکبار دیگر انتخاب استاد را به حیث رئیس تایید کردند.

این دو رویداد مهم را می توان از رویدادهای تاریخی جرگهٔ ملی مشورتی صلح خواند و به آن بالید که از افتخارات کم پیدای تاریخ معاصر کشور ما است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه هـای مقـالات غیـر از سـرمقاله لزومـاً مبـین آرا ومواضـع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ دهم ۲۲ جوزای ۱۳۸۹ ۲۹۲جمادی الاخر ۱۴۳۱ - 12 Jun 2010

نمایندگان درمجلس:

در برکناری صالح و اتمر دست خارجی ها دخیل است!

گزارش از: عنایت

ابراز نظرها در داخل کشور نشان میدهد که مردم باور دارند در شرایطی که افغانستان در بحران امنیتی به سر می برد، نباید رئیس جمهور چهره های نسبتاً موفق کابینه اش را برطرف می کرد

اوایل هفته گذشته حنیف "اتمر" وامر الله "صالح" دو تن از اعضای کابینه آقای کرزی به دلیل آنچه که ناکامی آنها در امربر قراری امنیت، در روزهای تدویر "جرگه مشورتی صلح" خوانده شده بود از وظایف شان سبکدوش شدند.

این دومقام امنیتی طی کنفرانس خبری موضوع برطرفی شان را با رسانه ها درمیان گذاشته گفتند: به دلیل ناکامی که ما در امر تأمین امنیت داشتیم استعفای خود را به رئیس جمهور تقدیم کردیم وایشان هم منظور نمودند. استعفا ویا هم برکناری این دو مقام امنیتی بحث های داغی را در بین حلقات سیاسی، اعضای مجلس نمایندگان ورسانه ها در پی داشت.

این بحث ها زمانی اوج گرفت که امرالله صالح در همان لحظاتی که استعفا میداد ازحرف وحدیث های داخلی در رابطه به این موضوع خبرداده بود.

مقامات کشورهای غربی برکناری دو عضو ارشد کابینه کرزی را موضوع داخلی افغانستان عنوان کردند. ابراز نظرها در داخل کشور نشان میدهد که مردم باور دارند در شرایطی که افغانستان در بحران امنیتی به سر می برد، نباید رئیس جمهور چهره های نسبتاً موفق کابینه اش را برطرف می کرد.

عده به این باوراند که برکناری این چهره ها به جای این که درتأمین امنیت کمک کند، دشمنان را جسور ترساخته به بی ثباتی وضع داخلی دامن می زند.

گلالی "اکبری" سناتور منتخب ولایت بدخشان درمجلس ص ۷

دو رویداد مهم

در متن جرگهٔ مشورتی صلح

محمد نسیم فقیری



در جریان روز اول جرگهٔ ملی مشورتی صلح که به تاریخ ۱۲ جوزا آغاز شده بود، دو رویداد مهم آن جداً قابل توجه و تأمل است:

۱- اصابت راکت در نزدیک محل تدویر جرگه و واکنش اعضا در برابر آن.

۲- انتصاب و بعداً انتخاب رئیس جرگه.

در مورد اول که خبر آن از طریق رسانه های داخلی و خارجی بارها پخش شد، در بارهٔ واکنش اعضای جرگه که بسیار مهم و تاریخی بود؛ گزارش درستی به نشر نرسید و یا به آن کمتر بها داده شد!

شنیده شد که بعضی ها چنین وانمود کرده اند که رئیس جمهور پس از اصابت راکت از بیم جان، محل را ترک گفته است و خوف و هراس محل تدویر جرگه را فرا گرفته بود!

واقعیت این است که صدای آمدن راکت و اصابت آن را همه شنیدند و حتی یک نفر هم از جا بلند نشد! رئیس جمهور و اعضای جرگه همه دارای روحیهٔ عالی بودند و با صداهای تکبیر به این حملهٔ راکتی پاسخ دادند.

این واکنش دلیرانه و قهرمانانهٔ جرگه در برابر حملهٔ تروریستی تباهکن، واقعاً در خور ستایش و تقدیر است.

فریادهای الله اکبر اعضای جرگه چه پیامی داشت؟

خدا بزرگ است! هیچ نیروی طغیانگر نمی تواندعظمت و بزرگی خداوند را تحت سوال قرار دهد!

خدا بزرگ است، خدا آفرینندهٔ همه مخلوقات است و مرگ و زندگی انسان ها به دست اوست.

خدا بزرگ است:

و اگر تیغ عالم بجنبد زجای
نبرد رگی تا نخواهد خدای

تروریست های آدمکش چه کسانی را هدف قرار داده بودند؟

سران جهادی، مجاهدین قهرمان که سال ها دربرابر کفر جهانی و امپریالیزم جهانخوار سرخ جنگیدند و از دین، عقیده، ناموس وآزادی کشور دفاع کردند!

این ها با جرئت، شجاعت وشهامت و با سر دادن نعره های تکبیر به حملات راکتی هراس افگنان پاسخ دادند و هدف و آرزوی تروریست ها مبنی ص ۷

د اسلامي جمعیت د دارالانشاء رئیس:

د مسیحیت خپراوی په بشري حقونو باندې تیری گڼو

تیره پنجشنبه د مسیحیت په گټه د ځینو موسسو فعالیت په اړه د له خوا یوه غونډه رابلل شوې وه. په دې غونډه کې ځینو علماؤ د پوهنتونونو استادانو او د سیاسي گوندونو ځینې غړي گډون کړی و.

ددې ترڅنگ د افغانستان د اسلامي جمعیت د دارالانشاء رئیس محمد نسیم فقیري د جمعیت ویاند واقف حکیمي، د دارالانشاء اداري مدیر شهاب الدین شهاب او مالي مدیر سیف الدین خرمي هم برخه درلودل.

فقیري د خپل وینا په یوه برخه کې وویل:

مونږ په داسې حالاتو کې قرار لرو چې باید له نړیوالې ټولنې سره اړیکې ولرو او هغه موسسې چې زمونږ په هیواد کې د خیر ښیگڼې کارونه ترسره کوي، باید خپل حدود وپیژني او د افغانانو د دین د بدلولو هڅه ونکړي. مونږ کولای شو چې له بهرنیو کړیوسره د مسالمت او متقابل احترام له اصولو سره سم خبرې، بحث او مناقشه وکړو.

فقیري زیاته کړه: افغانستان یو اسلامي هیواد ده او داساسي قانون د دویمې مادې له رویه د افغانستان د دولت دین د اسلام مقدس دین ده. په اجتماعي و او سیاسي علومو کې تعریفونه د زمان او مکان له مخې توپیر لري او مونږ هم له دیموکراسۍ او د بیان له نه ځانگړې تعریف لرو.

زمونږ دین مونږ ته اجازه نه ورکوي چې د منسوخو ادیانو لپاره د تبلیغاتو په اړه چپ کینو!

دا د مسلمانانو په بشري حقونو باندې تیری ده چې مسیحیان یا یهودیان یا نور وغواړي زمونږ د خلکو د دین د بدلولو هڅه وکړي. مونږ دا راز تبلیغات او کړنې په کلکه غندو او د اړوندو مراجعو د کلک اقدام غوښتنه کوو. مونږ باید سخت نیوکه او اعتراض ولرو خو باید په مسالمت آمیزه توگه اوله تریخوالي او شدت څخه ډډه وکړو.

په یاد شوې غونډه کې پریکړه وشوه چې له مشرانو سره له سلا او مشورې نه پس یوه اعلامیه خپره شي او د لارېون په هکله هم تصمیم ونیول شي.